



### شهر نیشابور

شهرستانه یکی از شهرهای سرحدی خراسان و در کنار ریگزار قراقوم واقع است و از توابع ولایت نسا میباشد که اکنون این ولایت را درگز مینامند و مرکز حکومت نشین آن لطف آباد است که در مرز فعلی ایران و روس قرار دارد .

نسا که در پارس باستان آنرا نسیایه نی سه یه (Nisi) مینامیدند متصل به ایبورد است ناحیه ای که ولایت نسا و ایبورد و خابران را در بر دارد حدفاصل بین سرزمینهای ترک نشین و واسطه و رابط خراسان و ماوراء النهر است . این ناحیه در زمانهای قدیم به داشتن اسبهای خوب و مردان دلیر و توانا معروف بوده است . در این سرزمین اقوام پارت زندگی میکردند و هم در این ناحیه است که سلسله اشکانی سه قرن قبل از میلاد بوجود آمدند . این ناحیه در طول مدت تاریخ عبورگاه لشگرهای خونخوار هیاطله و ترکهای چینی نژاد بوده است که پیوسته بخراسان هجوم آورده آسایش مردم این سامان را متزلزل و مختل میساخته اند . در دوره های بعد از اسلام همچنان این وضع ادامه داشت در طی سالها و قرن ها گروه گروه سپاهیان و قبائلی که از آن سوی رود جیحون نهضت مینمودند این سرزمینها را پایکوب سم ستوران خود میساختند . غزها و مغولها و تیموریها و اوزبکها پی در پی این نواحی را نهب و غارت نموده مردم آنرا در خاک و خون میکشیدند . موقعیت سوق الجیشی این ناحیه و جنگ و ستیزهای متوالی و بی امان ، مردم این سرزمین را سخت جان و مقاوم

\* آقای استاد سید علی مؤید ثابتی از شاعران طراز نخستین و محققان بنام معاصر

بار آورد. هنوز هم بعد از گذشت سالیان دراز اگر از بیابانها و گذرگاههای این سرزمین عبور کنیم آثار و علائمی را مشاهده مینمائیم که نمودار سختیها و دشواریها و جانبازیهای مردم این سرزمین است. برجهایی که جابجا در سینه بیابانها دیده میشود روزگاری را بیاد میآورد که کشاورزان و دهقانان هنگامیکه سرگرم زراعت و کشاورزی بوده اند بمحض اینکه گردوغبار سواران ترکتاز را از دور مشاهده میکردند کار خود را رها نموده و بسرعت باین برجها پناه میآوردند تا از خود دفاع کنند در حقیقت در یک دست آنها سلاح و در دست دیگر وسائل کار آنها بوده است.

این نواحی که در عین حال زیبا و خوش منظر و حاصلخیز است<sup>۱</sup> بواسطه موقعیت جنگی خود و مجاورت باموراءالنهر در تاریخ نظامی ایران اهمیت خاصی داشته و میتوان گفت که این سرزمین مبداء و منشأ بسیاری از حوادث تاریخی است که در زمانهای قدیم در خاک خراسان روی داده است.

موقعی که اتسز خوارزمشاه برای امداد سلطان سنجر و رهائی او از چنگ غزنان بالشگرهای انبوه از خوارزم عزیمت نمود بشهر نسا آمد و در شهرستانه اقامت کرد و برای اینکه در آن محل همه قوای پادشاهان اطراف را فراهم آورده به دفع سپاهیان غزاق اقدام کند نامهائی به پادشاهان سیستان و غور و مازندران و دیگر نواحی نوشته و ارسال داشت و از آنها دعوت نمود که به شهرستانه بیایند و در آنجا معسکر سازند تا متفقاً با سپاهیان غزبه مقابله پردازند و آنها را از خراسان بیرون سازند اما آن پادشاهان که شاید از خود اتسز بیم داشتند به این دعوتها پاسخ مثبت ندادند و او را یاری نکردند وی ناچار پس از یکماه اقامت از شهرستانه به قوچان آمد و در آنجا به رکنالدین محمود خان ملحق شد.<sup>۲</sup>

سرزمین نسا و ابیورد در قرنهای چهارم و پنجم هجری عزلتگاه بسیاری از عرفا و صلحا و پارسایان بوده است در کتاب اسرارالتوحید مینویسد صوفیان نسا را شام کوچک گویند یعنی چندان که بشام تربت انبیاست به نسا تربت اولیاست و نیز مینویسد که بوعلی دقاق برای صوفیان بر آن کوه که خاک مشایخ و تربت بزرگان است خانقاه ساخت (خانقاه سراوی).

عارف نامی شیخ ابوسعید ابوالخیر برای زیارت قبر صوفیان دفعات متعدد به نسا آمده و عقیده داشت که خاک نسا خاکی سخت عزیز است و بسزرگوار و پیوسته بوجود مشایخ کبار و اصحاب کرامات آراسته و میگفت که مشایخ گفته اند که هر کجا در خراسان بلائی و فتنهائی باشد چون به نسا رسد هر آئینه دفع شود و در اسرارالتوحید مینویسد در این مدت سی و اند سال که این فتنه ها و غارات و تاراج و کشتن و سوختن بوده است در خراسان هست هر بد و فتنه که روی به نسا نهاد آن بلا دفع شد. حوادث و فتنه هائی را که در اسرارالتوحید

ذکر کرده است مربوط است به دوره‌های اول ظهور طوایف غزوترکمن و اگر شیخ ابوسعید چندسال دیگر زنده میماند بچشم خود میدید که برخلاف پیش‌بینی اوغزها و بعد مغولها چه بلائی بر سر آن سامان آوردند.<sup>۲</sup>

شادمینا از قصبات نسا که در اسرار التوحید آنرا شامینه مینامند و متصل به شادمینا قصبه نوخندان است که بیش از هزارخانه و اجمعیت دارد. در کتاب اسرار التوحید از دو قصبه دیگر نام میبرد که یکی دردو فرسنگی نسا و (ییسمه) نامیده میشده و دیگری اندرمان است.

در بین قصبه نوخندان و شادمینا قریه حضرت سلطان واقع است. این قریه بنام بقعه و مقبره‌ئی خوانده میشود که در آن قریه قرار دارد و نام آن قبر حضرت سلطان است. اهالی محل این بقعه و مزار را متعلق به یکی از برادران سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه میدانند که در هنگام هجوم مغول کشته شده است ولی به احتمال نزدیک به یقین این بقعه و بارگاه مزار سلطان تکش پادشاه خوارزمی بوده است زیرا برادران سلطان جلال‌الدین منکبرنی هیچ کدام پادشاه نبوده و عنوان سلطان نداشته‌اند. دیگر اینکه پس از مسخر شدن خراسان بدست مغولها تمام خاندان خوارزمشاهی فراری و متواری و نابوده شده‌اند و دیگر کسی نبوده است که برای آنها بقعه و بارگاه بسازد. بعلاوه روایت جامع التواریخ رشیدی این نظر را تأیید میکند: در این کتاب می‌نویسد «سلطان تکش در نزدیک شهرستانه بمنزل چاه عرب در سال ۵۹۶ بمرض خناق وفات یافت در حال اطلاع به پسرش قطب‌الدین محمد خوارزمشاه رسانیدند و وی بتعجیل بشهرستانه رفت» بنابراین آنچه از جامع التواریخ نقل شد جای تردید نیست که بقعه حضرت سلطان متعلق به سلطان تکش خوارزمشاه است که فعلاً زیارتگاه مردم شیعه مذهب آن سامان شده است همانطوریکه مزار ملا محمد باقر شهرستانی زیارتگاه اهل سنت و جماعت در آن ناحیه میباشد.

محمد بن عبدالکریم شهرستانی عالم و دانشمند و فقیه معروف صاحب کتاب ملل و نحل که در یکی از سالهای ۴۶۶ یا ۴۶۷ یا ۴۷۹ به اختلاف روایات در این شهر متولد شد. و در سال ۵۴۸ در حالی که شاهد هجوم و قتل و غارت طوائف غز بود بارنج و اندوه فراوان چشم از جهان فرو بست و در موطن و مولد خود قریه شادمینا مدفون گردید. شهرستانی دارای تألیفات دیگری نیز هست که از آن جمله کتاب المصارعه و کتاب العیون و الانهار و کتاب المناهج و کتاب نه‌ایة الاقدام میباشد بقعه و بارگاه وسیع و عالی که در زمانهای قدیم بر مزار او ساخته بودند نمودار حق‌شناسی و علم دوستی و سخاوت مردمی بوده است که در آن سرزمین زندگی میکردند. فضائی که مزار شهرستانی در وسط آن قرار داشته بمساحت ۲۰۰ × ۲۰۰ متر بوده است و ارتفاع بقعه آن از سطح تارأس چهارده متر بوده

ودور گنبد مزار اوباخط کوفی و گچ یری آیت الکرسی نقش شده بوده است . بقعه و بارگاه این عالم ادیان که اهالی محل آنرا بقعه **قطب‌اعلم** مینامند در طول مدت زمان بواسطه عدم مراقبت و بی‌مبالاتی خراب و ویران شده و اکنون در حال انهدام است . در دو کیلومتری قبر **حضرت سلطان** تپه‌ئی است موسوم به تپه کلیسا که ظاهراً در ایام قدیم در آنجا کلیسایی وجود داشته که این تپه بنام آن خوانده میشود . در دو کیلومتری تپه کلیسا قلعه‌ئی است بنام **چلقان** و متصل به آن قلعه صورت قبر دراز و طولانی است که مردم آن ناحیه به زیارت آن میروند و آنرا قبر **ابوالمعجم** یا **ابوالمحجن** مینامند .

کران تپه یا تکران تپه قریه دیگری است که در کنار مرزایران و شوروی قرار دارد و محلی که فعلاً بنام **لطف‌آباد** نامیده میشود در قدیم **باباحق** نام داشته اکنون مرکز و حکومت نشین ناحیه **درگز** میباشد .

رباط **فراه** که **عبدالله طاهر** بنا کرده و مرکب از سه قلعه متصل بهم است در ناحیه نسا قرار دارد و همچنین قصبه **دندانقان** یعنی محلی که سلطان مسعود غزنوی از سلجوقیها شکست خورد و برای همیشه خراسان را از دست داد بین نسا و مرو واقع است این قصبه را غزها در سال ۵۵۳ بکلی خراب و منهدم نمودند .

محمد عوفی صاحب لباب‌الالباب که خود چندی در نسا اقامت داشته است باشاعری بنام محمد بن البدیع از اهل نسا دوست بوده و از او چند قطعه و قصیده در کتاب خود نقل میکند از جمله قصیده‌ئی به این مطلع:

چون رایحه مشک و چوبوی سمن آید      هر باد که از ساحل جیحون بمن آید  
و دیگر امام ظهیرالدین ولی نسوی که قطعه‌ئی از او بمطلع ذیل نقل میکند:  
جزبه جنابت اگر خطاب نویسند      نقش معماست کان براب نویسند

و نیز از مجدالدین نسوی قاضی میناچند رباعی مینویسد که از جمله آنها این رباعی است :

تعلیم حیاتم سبقتی بیش نماند      وز دفتر عمرم ورقسی بیش نماند  
ای نفس بهیمی خبرت نیست مگر      کز عمر طبیعی رمقی بیش نماند

سرزمینهای نسا و ابیورد و خابران که روزی نشستگاه پادشاهان اشکانی بوده و قرن‌ها مرز خراسان را پاسداری مینموده اکنون بدست تطاول متجاوزین از یکدیگر مجزی گردیده و قسمت عمده آن جزو خاک روسیه شوروی شده است .

مرکز نسا لطف‌آباد و مراکز ابیورد اسک‌آباد (عشق‌آباد) و مراکز خابران میهنه بوده است و در حقیقت این هر سه ناحیه یک واحد جغرافیائی را تشکیل میدادند که عرصه پهناور

آنها در طول مدت قرون و اعصار جولانگاه سپاهیان ایران و توران بوده است :  
همان وادی است این بیابان دور  
که گم شد در اولشگرسلم و تور

- 
- ۱ - ابن حوقل در کتاب صورة الارض مینویسد : نسا شهر فراخ نعمت و پر آب و باغ است و سرزمین باصفا و دارای روستاهای پهناور .
  - ۲ - کلیه نامه هائی که فوقاً ذکر شد اصل آنها در موزه آسیائی لنین گراد مضبوط است در کتاب تاریخ غز که اکنون در دست تألف می باشد نقل گردیده است .
  - ۳ - عساکر مغول در سال ۶۱۸ نسا را مسخر ساخته .
  - ۴ - نسا واقع میان شهر مرو و بلخ پایتخت تیرداد دومین پادشاه اشکانی (۲۴۸-۲۱۴ میلادی) و در ده میلی جنوب اسک آباد (عشق آباد حالیه) واقع بوده . نسا واقع در ماد که داریوش در کتیبه بهستان از آن نام میبرد همین شهر است که به داشتن اسبان نیک نژاد معروف بوده است . بانی شهر نسا فیروز بسن یزدگرد جد انوشیروان بوده لهذا آنرا شهر فیروز میگفتند . (لفت نامه دهخدا)

---

### چشم سرد چشم سر

چشم سر ملک و چشم سردین است ، این جهان بین و آن نهان بین است  
این و آن هر دو یار یکدیگرند ، هم خزان ، هم بهار یکدیگرند

حکیم سنائی غزنوی - قرن ششم